



نقش‌نمای گفتمانی *آره/بله* - نه در زبان فارسی

سلیمان قادری نجف‌آبادی^۱

محمد عموزاده^{۲*}

چکیده

مقاله حاضر به واکاوی ابعاد مختلف نقش‌نمای گفتمانی *آره/بله* - نه در زبان فارسی می‌پردازد. برای نیل به این هدف از ۱۸۰ فایل (حدود ۳۰ ساعت) از مکالمات تلفنی پیکره‌ی بی‌جن‌خان و داده‌های دیگری همچون مکالمات دوستانه و مصاحبه‌های رادیویی و تلویزیونی استفاده می‌شود. نقش‌نمای گفتمانی *آره/بله* - نه بر اساس الگوی سه‌گانه تراگوت (۱۹۸۲) مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. در کارکرد گزاره‌ای *آره/بله* - نه نقش توافق و یا مخالفت و در کارکرد متنی نقش انسجام کلام و نهایتاً در کارکرد (بینا) فردی (بیانی یا ذهنیتی) نقش‌های کاربردشناختی از قبیل طفره‌رفتن و حفظ شأن مخاطب را ایفا می‌کند. البته در اغلب رخدادهای *آره/بله* - نه کارکرد سه‌گانه‌ی مذکور توأماً قابل مشاهده است. در همین راستا، می‌توان استدلال کرد ظهور و بروز چنین کارکردهایی تا حد زیادی با روند دستوری‌شدگی و یا طیف‌های تغییر معنایی (تراگوت، ۱۹۸۲؛ تراگوت و داشر، ۲۰۰۲) مطابقت دارد. ادعای دیگر این مطالعه این است که وجود ویژگی‌های گزاره‌ای نقش‌نمای *آره/بله* - نه و مشخصاتی از آنکه در تقابل با سایر نقش‌نماهای گفتمانی است نشان می‌دهد که قبل از دستوری‌شدگی این عبارت، فرایند عضوگیری آن را از حوزه‌ی دستور جمله برای حوزه‌ی دستور معترضه‌گزیده است (نک. هاینه، ۲۰۱۸؛ هاینه و همکاران، ۲۰۱۳).

کلیدواژه‌ها: *آره/بله* - نه، عضوگیری، دستور معترضه، دستوری‌شدگی، نقش‌نمای گفتمانی.

✉ soleimanghaderi@yahoo.com

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان

✉ amoozadeh@yahoo.com

۲- استاد زبان‌شناسی دانشکده اصفهان (نویسنده مسئول)

۱- مقدمه

زبان‌شناسان همواره مجذوب ماهیت معماگونه‌ی نقش‌نماهای گفتمانی^۱ بوده‌اند (نک. بریتون^۲، ۱۹۹۶؛ شفرین^۳، ۲۰۰۱). نقش‌نمای گفتمانی آره/بله- نه^۴ شاید بتوان گفت یکی از این عناصر پیچیده است که در زبان فارسی تا به حال چندان مورد توجه پژوهشگران نبوده است. تلفیق دو کلمه قطبی آره/بله با نه (ایجابی و سلبی) در یک عبارت مطمئناً به پیچیدگی مسأله می‌افزاید به طوری که از نگاه منطق ترکیب آن دو ناممکن می‌نماید و شاید در نگاه برخی از مردم نیز یک ویژگی غیرعادی در زبان باشد (نک. توضیح مثال ۲۷ در انتهای بخش ۵). با این وجود در مکالمات روزمره شاهد رخداد‌های متنوعی از آره/بله- نه هستیم. برای مثال، به مکالمه‌ی زیر بنگرید که در آن آره- نه نقش جمع‌بندی موضوع مطرح‌شده به همراه بیان ذهنیت^۵ سخنگو را به عهده دارد.

۱) آقا: چه خبر از علی آقا؟ چه کار می‌کنه با خانومش؟

آقا۲: از اون روز تا حالا تغییر زیادی کرده. هر روز پارک می‌بردش. براش گل می‌خره و رستوران هم می‌رن... آره- نه، علی آقا یه تغییراتی کرده.

ادعای اعلمی (۲۰۱۶) مبنی بر اینکه عناصر نه/نه بابا، دیگه، آره/بله از رایج‌ترین نقش‌نماها در زبان فارسی هستند در کنار باهم‌آیی دو کلمه‌ی قطبی آره/بله و نه در یک عبارت و کارکردهای متنوع آن، اهمیت بررسی را دوچندان می‌کند. لذا، یک مطالعه‌ی جدی و نظام‌مند در این زمینه می‌تواند مبنایی برای مطالعات آتی و نظریه‌پردازی درباره‌ی نقش‌نماهای گفتمانی خصوصاً کاربرد معترضه‌ای این عناصر و همین‌طور مطالعات رده‌شناختی باشد. از این‌رو، مطالعه‌ی حاضر با فرض اینکه آره/بله- نه یک عبارت معترضه و نقش‌نمای گفتمانی در زبان فارسی است، قصد دارد تا به‌عنوان گامی آغازین به جستجوی جنبه‌های نامکشوف این عبارت بپردازد. برای نیل به این هدف، ابتدا سعی می‌شود برخی از کارکردهای معترضه‌ی عبارت آره/بله- نه را دسته‌بندی کرده و تحلیل نماید. برای تحلیل آنها از مفاهیم دستوری‌شدگی، ذهنیت و بیناذهنیت^۶ بهره برده است. در گام دوم، رخداد این عبارت را با تمرکز به جای‌گیری و نوع کارگفت پاره‌گفت‌های قبل و بعد از این عنصر مورد واکاوی قرار می‌دهد. سؤال مهم این است که آیا می‌توان به ترکیب دو عنصر آره/بله و نه به‌عنوان یک معترضه و یا حتی یک نقش‌نمای دستوری‌شده‌ی جدید در زبان فارسی نگریست؟ در چنین

۱. «نقش‌نمای گفتمانی» در این مطالعه به‌عنوان معادل discourse marker و دیگر عبارات که در زبان انگلیسی وجود دارد مانند pragmatic particle, discourse connectives, etc انتخاب شده است. البته در زبان فارسی معادل‌های دیگری مانند نشانگر گفتمانی و یا نقش‌نمای کلامی نیز مشاهده می‌شود.

2. L. J. Brinton

3. D. Schiffrin

۴. به علت قابلیت جایگزینی آره با بله در اغلب رخدادها و کاربرد زیاد آره نسبت به بله و همچنین فراوانی نادر نه آره و نه بله در داده‌ها، از این پس کل رخداد‌های آره-نه و بله-نه، نه-بله و نه-آره را به‌طور خلاصه تحت عنوان آره/بله-نه یا عبارات آره/بله-نه می‌آوریم مگر اینکه جدائی این رخدادها در تحلیل ما مهم باشد.

5. subjectivity

6. inersubjectivity

حالتی چه فرایندهایی توجیه‌گر پیدایش این ترکیب هستند؟ پاسخ به این سؤالات می‌تواند راه حلی برای توضیح دوگانگی ماهیتی *آره- نه* باشد مبنی بر آنکه آیا این عبارت اساساً یک نشانه‌ی پاسخ یا یک نقش‌نمای گفتمانی است؟

ساختار کلی مقاله بدین قرار است. در بخش بعدی، به چهارچوب نظری پژوهش اشاره می‌کنیم. سپس روش تحقیق و نحوه‌ی گردآوری داده‌ها مطرح می‌شود و در پی آن با تحلیل داده‌ها، به بحث و نتیجه‌گیری کلی خواهیم نشست.

۲- دستوری‌شدگی و نقش‌نماهای گفتمانی

برخی محققین دستوری‌شدن را پدیده‌ای تاریخی و در زمانی تلقی می‌کنند (نک. هاردر^۱ و بوی^۲، ۲۰۱۲). در این میان تراگوت^۳ و داشر^۴ (۲۰۰۲) و دافور (۲۰۰۷) چند نقشی بودن هم‌زمان نقش‌نماهای گفتمانی را مرتبط و شاهدی بر فرضیه‌های در زمانی تغییرات زبانی می‌دانند که ناشی از فرایند دستوری‌شدگی و ذهنی‌شدگی^۵ است. معمولاً ذهنی‌شدگی خود در بردارنده‌ی دستوری‌شدگی و عاملی مهم برای آن تلقی می‌گردد (تراگوت، ۱۹۹۹). یکی دیگر از عوامل تغییرات دستوری یا معنایی، فشار و تأثیر یک بافت خاص حاکم بر یک صورت زبانی است که باعث می‌شود یک تضمن مکالمه‌ای جدید- که معمولاً با معنی اولیه فاصله دارد - به آن صورت زبانی افزوده شود و در اثر تکرار متعارف شود (تراگوت و کونینگ^۶، ۱۹۹۱: ۱۹۲-۱۹۱؛ بریتون، ۱۹۹۶). همین فرایند می‌تواند شکل‌گیری نقش‌نماهای گفتمانی از مقولات نحوی مختلفی از قبیل حروف ربط، گروه‌های قیدی و حرف اضافه‌ای و به دنبال آن اکتساب قابلیت‌های فرابندی و فراگزاره‌ای جدید در زمانی را برای آن عناصر توجیه کند (فیشر^۷، ۲۰۱۴). برای نمونه شفرین (۱۹۸۷: ۳۲۹) اشاره می‌کند که یک قید، ادات تعجب یا یک عنصر قطبی مانند *yes* که توسط آن مشارکان کلام به سمت یک گزاره میل می‌کنند می‌تواند به سمت یک نقش‌نمای گفتمانی با نقش‌هایی همچون بیان عقیده و اطلاعات گسترش یابد. چهارچوب دستوری‌شدگی با تمام موفقیت‌هایی که در تحلیل تغییرات زبانی کسب کرد، نتوانسته است به‌طور کامل و دقیق از عهده‌ی توجیه ساخت و رفتار نقش‌نماهای گفتمانی به شرح زیر برآید (اکامپو^۸، ۲۰۰۶: ۳۱۷-۳۱۶).

الف. حرکت نقش‌نما برخلاف پیش‌بینی دستوری‌شدگی از سطح دستور جمله به سطح دستور گفتمان است.

1. P. Harder
2. K. Boye
3. E. Traugott
4. R. Dasher
5. subjectification
6. E. König
7. K. Fischer
8. F. Ocampo

ب. نقش‌نماهای گفتمانی بخشی از نحو جمله نیستند (حذف آنها بر دستوری بودن جمله اثر ندارد).

ج. اغلب استقلال آوایی دارند.

د. نقش‌های فرامتنی را ایفا می‌کنند.

ه. حوزه‌ی معناشناختی - کاربردشناختی فراتر از جمله دارند (در مفهوم گزاره‌ای جمله مشارکتی ندارند). برای توجیه ویژگی‌های مورد بحث فوق و مسائلی از این دست، هاینه^۱ و همکارانش (۲۰۱۳) به ارائه‌ی چهارچوب نظری تحت عنوان دستور کلام^۲، که متشکل از دو حوزه‌ی دستور جمله^۳ و دستور معترضه^۴ است، اقدام کردند. دستور جمله، مسؤل صورت و معنی جمله و چینش اجزای آن همچون جمله، بند، گروه، کلمه و تکواژ، به اضافه‌ی عناصر پیوندی این سازه‌ها به یکدیگر است و به مفاهیم گزاره‌ای توجّه ویژه‌ای دارد. در حالی‌که، دستور معترضه، انگیزش تعاملی، شناختی و کاربردشناختی دارد و به کاربرد زبان فراتر از جمله و دستور آن می‌نگرد. این محققین معتقدند که می‌توان نقش‌نماهای گفتمانی را همچون ندائی‌ها، عبارات قالبی (کلیشه‌ای) تعامل اجتماعی، سوالات ضمیمه‌ای و اصوات در ذیل عناصر معترضه قرار داد چون آن عناصر معترضه نیز مشخصات فوق‌الذکر را از خود نشان می‌دهند. علاوه بر این، کارکرد نقش‌نماهای گفتمانی مانند عناصر معترضه عموماً ارتباط میان متن و موقعیت کلام^۵ است که مؤلفه‌های موقعیت کلام شامل سازماندهی متن (کارکرد متنی^۶)، تعامل سخنگو - مخاطب (بینادهنیت) و بیان دیدگاه‌های سخنگو (ذهنیت) را برجسته می‌کند (هاینه و همکاران، ۲۰۱۳: ۲۰۶-۱۵۵).

عناصر معترضه، اغلب محصول فرایند عضوگیری^۷ هستند که به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند: عبارات معترضه آئی^۸، عبارات معترضه قالبی/کلیشه‌ای^۹ و در نهایت عبارات معترضه ساخت‌مند^{۱۰}. (هاینه و همکاران، ۲۰۱۷). عضوگیری یک راهکار ارتباط کلامی و یک فرایند ارتباطی - شناختی است که به تبع آن برخی از عناصر حوزه‌ی دستور جمله مانند یک کلمه، گروه، بند یا هر تکه متنی دیگر وارد حوزه‌ی دستور معترضه می‌شوند تا به رمزگذاری نقش‌هایی از گفتمان در آن حوزه بپردازند (هاینه و همکاران، ۲۰۱۷). این عناصر استقلال آوایی، معنایی و نحوی می‌یابند به طوری که در درون یک گفته (پاره‌گفت)، در حاشیه‌ی آن و یا به طور مستقل از آن می‌توانند به کار روند.

جدای از شباهت‌های ذکرشده‌ی فوق میان نقش‌نماهای گفتمانی و معترضه‌ها، بین این عناصر و معترضه‌ها، به خصوص موارد مفهومی آن تفاوت‌های زیر برقرار است:

1. B. Heine
2. Discourse Grammar
3. Sentence Grammar
4. Thetical Grammar
5. situation of discourse
6. textual
7. cooptation
8. instantaneous
9. formulaic
10. constructional

- الف. به جای آنی بودن، این عناصر نشانه‌های دستوری متعارف هستند.
- ب. به جای واجد محتوای مفهومی^۱ یا گزاره‌ای بودن، آنها معنای رویه‌ای^۲ دارند یعنی نقش‌های دستوری کلامی مربوط به مؤلفه‌های موقعیت گفتمان را ایفا می‌کنند.
- ج. به جای ترکیب‌پذیر بودن، آنها اشکالی کوتاه، ثابت و تغییرناپذیر دارند.
- د. آنها شاید از نظر آوایی کاهش یافته باشند.

برای تشریح این تفاوت‌ها، هاینه (۲۰۱۸ و ۲۰۱۳) ایجاد نقش‌نامه‌های گفتمانی را حاصل دستوری‌شدگی معترضه‌ها در اثر تکرار و کاربرد زیاد این عناصر می‌داند. عناصر معترضه در این زمینه، تغییراتی می‌یابند هم‌چون معنازدایی^۳، تغییر در حالت صرفی (تبدیل از طبقه‌ی باز به طبقه‌ی بسته)، از دست‌دادن ترکیب‌پذیری و تبدیل به یک واحد قالبی ثابت (مقوله‌زدایی درونی^۴) و از دست‌رفتن ماهیت آوایی و/یا صرفی (فرسایش^۵). این تغییرات از جمله‌ی برجسته‌ترین تغییرات در فرایند دستوری‌شدگی هستند که غالباً در ایجاد نقش‌نامه‌های گفتمانی مورد اشاره قرار می‌گیرند (نک. برینتون، ۲۰۱۰: ۶۱-۶۲؛ کالتن باخ^۶، ۲۰۱۳). در این زمینه عموزاده و نورا (۱۳۹۳) ادعا می‌کنند که عبارت یعنی به‌عنوان نقش‌نمای گفتمانی در زبان فارسی پس از عضوگیری تحت فرایند دستوری‌شدگی در سطح دستور معترضه به یک نقش‌نمای گفتمانی تبدیل شده است و به ایفای نقش‌های سازماندهی متن، نگرش‌گوینده و تعامل‌گوینده - شنونده در سطح گفتمان پرداخته است. نکته‌ی دیگر آنکه با گسترش کارکردهای یک عنصر به‌عنوان نقش‌نمای گفتمانی ممکن است معنی واژگانی اولیه یا گزاره‌ای آن رنگ ببازد (استمن^۷، ۱۹۹۵) و معنی کاربردشناختی بر معنی لفظی پیشی گیرد (آیمر^۸، ۲۰۰۲). البته اگرچه شاید نقش‌نامه‌ها در محتوای گزاره‌ای همیشه دخیل نباشند و همچنین از نظر دستوری حضوری اختیاری داشته باشند، اما آنها از نظر کاربردشناختی و متنی لازمند و با ایجاد بافت مورد نظر، به پردازش ذهنی مخاطب در تفسیر گفته‌ی سخنگو و چگونگی تعبیر آن کمک می‌کنند (برینتون، ۱۹۹۶: ۳۵).

تراگوت (۱۹۸۲) یک تقسیم‌بندی سه‌گانه را در تبیین کارکردهای منابع زبانی برمی‌شمرد: بخش کارکرد گزاره‌ای^۹ برای منابعی که زبان برای صحبت درباره‌ی چیزی به آنها متوسل می‌شود؛ بخش کارکرد متنی برای منابعی که جهت خلق انسجام به کار رفته و اتصال گفتمان را سبب می‌شوند؛ و بخش کارکرد فردی^{۱۰} یا

1. conceptual
2. procedural
3. Desemanticization
4. Internal decategorization
5. erosion
6. G. Kalténböck
7. J. Ostman
8. K. Aijmer

۹. نقش یا کارکرد گزاره‌ای propositional meaning به کار رفته در این متن (برگرفته از تراگوت، ۱۹۸۲) تقریباً معادل همان معنی مفهومی ideational meaning در هلیدی و حسن (۱۹۷۶) است. بر خلاف دیدگاه معناشناسی صوری تبیین این معنی یا نقش الزاماً به بافت وابسته است (نک. لاینز، ۱۹۹۵).

10. personal

بیانی^۱ (بیان احساس) برای منابع زبانی که به منظور بیان نظرات و احساسات سخنگو درباره‌ی رخداد یا موقعیت مکالمه به کار می‌روند. فردی بودن از نظر تراگوت ذهنیت و بیناذهنیت را شامل می‌شود. از این رو، اجزاء کارکردی تراگوت (۱۹۸۲) در راستای همان نقش‌های ادعا شده توسط هاینه و همکاران (۲۰۱۳: ۲۰۶-۱۵۵) یعنی سازماندهی متنی، ذهنیت و بیناذهنیت می‌باشند. تراگوت (۱۹۸۲) تغییر معنایی را ناشی از ذهنی‌شدگی می‌داند. ذهنی‌شدگی وقتی رخ می‌دهد که ذهنیت در یک ساختار زبانی کدگذاری شود یعنی وقتی یک شکل زبانی، در فرایند تکمیلی خود، کارکردی را برای بیان ذهنیت کسب می‌کند (وو، ۲۰۰۴). تراگوت (۱۹۸۲: ۲۵۲-۲۵۶) ذهنی‌شدن عناصر زبانی در یک مسیر یک‌طرفه می‌داند که در آن حرکت از کارکرد گزاره‌ای عنصر به سمت کارکرد متنی و سپس (بینا)فردی شکل می‌گیرد (گزاره‌ای < متنی > بیانی (بینافردی)). گاهی گذر از کارکرد گزاره‌ای به بیانی یا بینافردی شامل گذر از کارکرد متنی نمی‌شود و لذا عناصری ایجاد می‌شود که دارای کارکرد گزاره‌ای و بیانی (و نه متنی) هستند. این عامل توضیحی بر جوانب معنی‌شناختی - کاربردشناختی دستوری‌شدگی است. تراگوت و داشر (۲۰۰۲) با اشاره به وجود انعطاف در این خط سیر، سه گرایش معناشناسی - کاربردشناسی دستوری‌شدن را در قالب طیف‌های زیر می‌آورند.

غیرذهنی < ذهنی < بین ذهنی

مفهومی [ارجاعی یا گزاره‌ای] < مفهومی - رویه‌ای < رویه‌ای

قلمرو عنصر زبانی درون گزاره‌ای < قلمرو عنصر زبانی کل گزاره < قلمرو عنصر زبانی بر گفتمان

مبتنی بر شرایط صدق < غیر شرایط صدق^۲

از این منظر چندنقشی‌بودن همزمانی نقش‌نماهای گفتمانی، به فرضیات درزمانی تغییر زبان، یعنی به فرایند دستوری‌شدن و ذهنی‌شدن مربوط می‌شود.

نورا (۱۳۹۴) با استفاده از طیف‌های گرایش تغییر معنایی در نظریه‌ی معنایی تراگوت و داشر (۲۰۰۲) به بررسی همزمانی نقش‌نماهای گفتمانی یعنی، حالا، بالاخره و مثلاً و دستوری‌شدن آنها پرداخته است و آن نظریه را کارآمد می‌داند. بوربیج^۴ و فلوری^۵ (۲۰۰۲) نیز به وجود کارکرد گزاره‌ای در کنار کارکرد متنی و (بینا)فردی (یا فردی) برای نقش‌نمای *yeah-no* اشاره داشته‌اند. در مطالعه‌ی آنها استخراج میانگین ۳ مورد از این عبارت از هر ۲ ساعت داده‌ی گفتاری و استخراج نمونه‌های تنها ۱۵ نفر از ۷۲ نفر سخنگو، حاکی از

1. expressive

لازم به ذکر است که اصطلاح بیانی و یا (بینا)فردی در این مقاله معادل نسبی برای اصطلاح expressive در تراگوت (۱۹۸۲) و یا اصطلاح interpersonal در هلیدی و حسن (۱۹۷۶) است که هر دو اصطلاح تقریباً به یک مفهوم اشاره دارند و مناسبات ذهنیتی و بیناذهنیتی را شامل می‌شوند.

2. F. WU

۳. یعنی نقش‌نماهای گفتمانی به سبب داشتن معنای رویه‌ای به‌مثابه دستورالعمل‌هایی برای درک جمله‌اند که معنی کاربردشناختی آنها تأثیری بر شرایط صدق میزبان‌شان نخواهد داشت.

4. K. Burridge

5. M. Florey

جدید بودن این نقش‌نمای گفتمانی به علاوه‌ی نوعی تنوع و ترجیح فردی در کاربرد آن است. مور^۱ (۲۰۰۷) با تأیید نتایج آنها در انگلیسی استرالیایی بر ایفای همزمان نقش‌های مذکور در اغلب رخدادهای عبارات *آره/بله* - نه تأکید دارد. وی به غالب بودن کارکردهایی همچون جمع‌بندی و ارزیابی برای این عنصر اشاره می‌کند. لی‌گلدمن^۲ (۲۰۱۱) با اشاره به ۲۰۵ مورد *yeah-no* در مقابل ۳۴ مورد *no-yeah* در داده‌هایش، کاربرد بیشتر *yeah-no* را ناشی از تمایل زبان‌مند به پاسخ مرجح یعنی کاربرد نشانه‌ی تأیید *yeah* نسبت به نفی می‌داند.

۳- روش کار و نوع داده‌ها

مطالعه‌ی حاضر اساساً یک پژوهش همزمانی و توصیفی - تحلیلی است که بر اساس چهارچوب دستور کلام (هاینه و همکاران، ۲۰۱۳؛ هاینه، ۲۰۱۳) و طیف دستوری‌شدگی از اجزاء کارکردی سه‌گانه‌ی زبان تراگوت (۱۹۸۲) و همچنین طیف‌های تغییرات معنایی تراگوت و داشر (۲۰۰۲) به دسته‌بندی کارکردهای متعدد *آره/بله* - نه و فرضیه‌ی دستوری‌شدگی این عبارت می‌پردازد.

در پژوهش حاضر عمدتاً از داده‌های گفتاری تلفنی استفاده شده است. این امر از آن‌روست که داده‌های گفتاری، بیش از نوشتاری، مشتمل بر عناصر معترضه‌ای مانند نقش‌نماهای گفتمانی است (نک. دیک^۳، ۱۹۹۷: ۳۸۰؛ برینتون، ۲۰۰۸: ۲۴۱). همچنین در مکالمات تلفنی چون افراد یکدیگر را نمی‌بینند از عوامل زبانی مانند نقش‌نماهای گفتمانی برای رساندن مقصود خود بیش از سایر مکالمات گفتاری بهره می‌برند. در مجموع از داده‌های تلفنی که مشتمل بر حدود ۱۸۰ فایل از پیکره‌ی بی‌جن‌خان - در مجموع حدود ۳۰ ساعت گفتگو - بود ۲۶ مورد توالی *آره* یا *بله* یا *نه* پالایش شد. این فراوانی اندک نگارندگان را بر آن داشت تا در جهت غنای داده‌ها از نمونه‌های دیگر من جمله یافت شده از موتور جستجوگر گوگل (۱۳ مورد) و نمونه‌های پیکره‌ی اینجین اسکچ^۴ (۱۲ مورد) بهره گیرند که در کنار ۲۶ مورد اول در مجموع ۵۱ نمونه را تشکیل می‌دهد که برای مطالعه‌ی مقدماتی حاضر کافی به نظر می‌رسد. احتمالات باهم‌آیی *بله* و *آره* یا *نه* و تعداد رخداد (فراوانی) آنها در جدول (۱) مشاهده می‌شود.

جدول ۱: ۵۱ مورد باهم‌آیی مختلف *آره* و *بله* یا *نه*

آره/نه (۲۷ مورد)			بله/نه (۱۹ مورد)			بله/آره (۴ مورد)			نه/بله (۱ مورد)		
بی‌جن-خان	اسکچ	آزاد	بی‌جن-خان	اسکچ	آزاد	بی‌جن-خان	اسکچ	آزاد	بی‌جن-خان	اسکچ	آزاد
۹	۹	۹	۱۶	۱	۲	۱	۲	۱	۰	۰	۱

1. E. Moore
2. R. Lee-Goldman
3. S. Dik
4. SKETCH Engine

در اینجا لازم به توضیح است که در بررسی در زمانی زبان در مورد کمیت و ثبات داده‌های دوره‌های زمانی قبل محدودیت وجود دارد. از این رو قیاس^۱ (قیاس کل از جزء) مشکل است و عموماً از استقراء^۲ (استقراء جزء از کل) در این رویکرد استفاده می‌شود که در آن محققین عمدتاً بر تمایل‌های زبانی ذکر شده در کار سایر پژوهشگران نگاه می‌کنند و بر اساس آن و داده‌های موجود دست به تحلیل و پیش‌بینی می‌پردازند. در این میان نظریه‌پردازی امری طبیعی محسوب می‌شود. لذا موارد ذکر شده در این تحقیقات گاهی به شدت فرضی (نظری) هستند. تحقیق حاضر نیز از این جنبه مصون نیست و نویسندگان هیچ ادعائی در زمینه‌ی صحت تمام نتیجه‌گیری‌های خود به‌ویژه فرض‌هایی که ترتیب دستوری‌شدگی در زمانی را نشان می‌دهد ندارد؛ اگرچه مطالعات زیادی تمایل اکثر زبان‌ها را نسبت به این ترتیب یا جهت‌مندی تأیید می‌کند. بنابراین نتیجه‌گیری‌های این مطالعه همانند دیگر پژوهش‌های علمی در سایه تحقیقات آتی قابلیت تعدیل، رد و یا تأیید خواهد داشت.

نکته‌ی دیگر اینکه در تحلیل نمونه‌ها از واحدهایی همچون گفته یا پاره‌گفت، نوبت و واحد آوایی^۳ در کنار هم استفاده شد. این امر باعث انتخاب رخدادهایی شد که در آنها اجزای آره، بله و نه همراه شده با هم در یک یا دو واحد آوایی ادا می‌شدند و یک کارکرد واحد یا مشارکتی را داشتند؛ اما رخدادهایی که اجزای هم‌آیند شده‌ی آنها در دو واحد آوایی و جداگانه تلفظ می‌شدند و دو کارکرد مجزا داشتند، از بررسی خارج شوند. نمونه‌ای از موارد حذف شده مانند (۲) نشانگر اصلاح آغاز غلط یا نمونه (۳) نشانگر برگردان جواب محسوب می‌شوند.

(۲) آقا. ساعت ۲ شده؟

خانم ۱: آره (پس از نگاه به ساعت) نه نه مثل اینکه هنوز نشده.

(۳) معلم: تمرین^۴ نوشتی؟

دانش‌آموز: نه (پس از نگاه خشم‌آلود معلم و ترس از تنبیه) آره. ولی نیاوردمش.

۴- تحلیل انواع کارکردهای نقش‌نمای گفتمانی آره/بله-نه

در این بخش، کارکردهای زبانی فعال‌شده توسط عبارات آره/بله-نه تبیین و دسته‌بندی می‌شود و نمونه‌هایی از هر کارکرد آورده خواهد شد. در موارد لازم بافت موقعیتی برای تحلیل بهتر ذکر خواهد شد.

1. Induction

2. deduction

۳. طبق نظر دوپوا و همکاران (۱۹۹۳: ۴۶) «یک واحد آوایی شامل امتدادی از کلام در یک منحنی آهنگ (intonation contour) است.» منحنی آهنگ یک الگوی خاص متشکل از نشانه‌هایی همچون فرکانس، آهنگ و یا تکیه در یک گفته است. این الگوی خاص مستقیماً با معنی مربوط بوده به طوری که یک گفته‌ی خاص مثل آمدی می‌تواند با آهنگ‌های مختلف، کارگفت امری، سؤالی یا خبری داشته باشد.

۴-۱- کارکرد گزاره‌ای

در کارکرد گزاره‌ای، یک عبارت زبانی برای صحبت درباره‌ی موضوعات و بیان محتوا و مفاهیم استفاده می‌شود. این کارکرد نشان‌دهنده‌ی درک سخنگو از مشارکان بحث و موقعیت کلام، چه در داخل و چه در خارج از آن موقعیت است (نک. بریتون، ۱۹۹۶). در اینجا عبارات *آره/بله* - نه یک معنی ارجاعی دارند که در بافت زبانی پایه گرفته است و لذا ضمن اشاره به آن جزء گزاره‌ای آن را مورد توافق یا مخالفت قرار می‌دهند. در ذیل نمونه‌هایی از این کاربرد آمده است.

(۴) خانم ۱: خب، برنامه‌ها چی رو پخش می‌کنن؟ برنامه‌های تلویزیون همین‌ایی که برا ما نشون می‌دن، برا شما همینه؟ هیچ فرقی نمی‌کنه؟

خانم ۲: بله نه همینه، هیچ فرقی نمی‌کنه، همون شبکه استان تهران ام برنامه‌هاشو پخش می‌کنه.

(۵) آقای ۱: من می‌خواستم ببینم که قفل در حیاطی رو آقای قاسمینا می‌تونن چیز کنن یا این که نه ما باید تهیه کنیم؟

آقای ۲: بله نه قفل در حیاطی داریم براتون می‌گیریم از اینجا.

هم‌آیندی *بله* - نه در مواردی همچون (۴) و (۵) بالا از نوعی کارکرد گزاره‌ای برخوردارند که با کاربردهای این عناصر به‌عنوان اداتی که نشانگر پاسخ ساده هستند تعامل نزدیک دارند. در این نقش ساخت این عبارات شاهده‌ی بر احتمال وجود نشانه‌ی پاسخ دوگانه (شفرین، ۱۹۸۷: ۳۲۹) است که بر اساس آن، دو جزء *آره/بله* و نه جداگانه با ارجاع به دو گزاره‌ی گفته (یا گفته‌های) قبل آنها را مورد توافق و یا مخالفت قرار می‌دهند. مثلاً در (۴) و (۵) *بله* تأییدکننده‌ی یک سؤال و نه نافی سؤالی دیگر است. در چنین کاربردی *بله* و نه گاهی در دو واحد آوایی مجزا ادا می‌شوند.

با وجود این، یک توصیف یکدست و نظام‌مند باید بتواند از عهده‌ی تبیین گفتمان‌هایی برآید که برخلاف موارد فوق قابل تقسیم به دو بخش مجزا و تناظر جداگانه‌ی آنها با *آره/بله* و نه باشد. در موارد بررسی شده اغلب هر دو عنصر سازنده‌ی *آره/بله* و نه مانند یک واحد کل، جهت‌گیری مفهومی یکسان به گزاره‌های بیان‌شده دارند و عموماً با تشکیل یک چهارچوب مشارکتی، نقش واحدی را در کلام ایفا می‌کنند. در این موارد، تعیین کارکرد گزاره‌ای (ارجاعی) واحد *آره/بله* - نه، یعنی اینکه در کل نقش توافق یا مخالفت را با گزاره(های) قبل برساند، توسط بافت و از راه کاربردهای کلامی آن ممکن می‌شود. یعنی در این نوع رخدادها - برخلاف مثال‌های (۴) و (۵) - با در نظر گرفتن *آره/بله* - نه به تنهایی تعیین کارکرد گزاره‌ای آن به‌صورتی که بیانگر ارزش موافقت یا مخالفت با گزاره(های) قبل باشد امکان‌پذیر نیست و برای تعیین آن ارزش باید از تحلیل بافت گفته(های) حول آن عبارات - به خصوص عبارات بعد از آنها - یاری جست. این تعیین محتوای معنایی گزاره‌ای تحت تأثیر بافت، خود مشخصه‌ی مشترک عبارات *آره/بله* - نه و سایر نقش‌نماهای گفتمانی است. به نمونه‌هایی از این موارد در ادامه توجه کنید:

(۶) خانم ۱: پهلواشو ما با همین دستگاه‌های لاغرکننده که به پهلوه‌های این بستیم چون شکمش

سزارین بود دیگه.

خانم ۲: بله.

خانم ۱: چیز نکردیم.

خانم ۲: ویراتور دارند دیگه، لرزش خاص؟

خانم ۱: بله- نه با اون کار نکردیم.

(۷) آقا ۱: اما گفتی که می‌تونوی بری شکایت کنی!

آقا ۲: آره- نه، ارزش نداره.

در موارد (۶) و (۷) سخنگو گزاره بیان‌شده‌ی کلی مخاطب را تأیید می‌کند اما پاسخش به سؤال یا گفته‌ی وی منفی است. مثلاً در (۶) شنونده با گفتن *بله* وجود لرزش را در دستگاه‌های ویراتور تأیید می‌کند ولی چون از آن دستگاه استفاده نکرده است با آوردن *نه* به دنبال *بله* استفاده از آن را انکار می‌کند. در (۷) نیز توانائیش برای شکایت کردن با *آره/بله* تأیید می‌شود اما مخالفت نهائیش با آوردن *نه* و توضیح پس از آن اعلام می‌شود. در این گونه موارد کاربرد *آره/بله- نه* گزاره‌ای به منظور رفع سوءبرداشت مخاطب است چون آوردن *بله* یا *نه* به تنهایی می‌تواند به اشتباه گمان مخالفت با گزاره یا موضوع کلی را برای وی به همراه داشته باشد. در این موارد بافت زبانی پس از *آره/بله- نه* برای تعبیر صحیح لازم است. گاهی تعبیری که از نقش *آره/بله- نه* در این موارد می‌شود حاوی اصلاح سریع خطا یا رفع کج‌فهمی مخاطب در درک گفته‌ی فرد قبلی یا برداشت وی از موقعیت است، یعنی این فرض یا استنباط غلط مخاطب است که رد می‌شود نه محتوای گزاره‌ای سخنش. به‌طور خلاصه تعبیر این کارکرد *آره/بله- نه* بدین گونه است که «من گفتم الف را ولی نه، من منظورم در واقع ب بود» و یا اینکه «من شنیدم (کلام شما را)، اما با شما موافق نیستم».

اندره^۱ (۲۰۰۵) با ذکر این دو تعبیر برای *Oui non* در فرانسه، آمدن نشانه‌ی تأیید *Oui* قبل از نفی *non* را ابزار آماده کردن شنونده برای دریافت پاسخ منفی برای اصلاح ادراکش یا درک مخالفت سخنگو با او می‌داند. وی اظهار می‌کند بیان این عبارت، نشانگر تأیید مخاطب و درک نیات وی و برقراری صمیمیت است، نه توافق با گفته‌ی وی. در واقع، در اینجا با کارکرد (بینا)فردی و رعایت ملاحظات کاربردشناختی ادب مواجه هستیم که بنحوی می‌تواند نشانه‌ی حفظ فاصله با مخاطبین باشد. مثال‌های فوق هم مانند اغلب نمونه‌های بعدی این تحقیق گواهی بر چند کارکردگونی همزمان یک رخداد از *آره/بله- نه* یعنی هم‌ایندی چندین کارکرد می‌باشد.

در موارد ذیل سخنگو از عبارت *آره/بله- نه* ضمن بروز دادن کارکرد گزاره‌ای توافق یا مخالفت، همزمان برای تأکید بر توافقتش با مخاطب- یعنی عامل بینادذهنیت- (مانند ۸) و یا تأکید بر گفته‌ی خودش، یعنی

عامل ذهنیت (مانند ۹ و ۱۰) استفاده می‌کند^۱:

(۸) خانم ۱: آره، الان مثلاً کرمانشاه ما می‌بینی از توی هر خانواده اگه چهار تا جوان دارند (بله) مثلاً می‌بینی دوتاش هم معتادند (آخ آخ) اصلاً به طرز می‌بینی خیلی ناجوری‌اند (بله) هستند اینا که پدر و مادرا هیچ کاری هم اصلاً نمی‌توانند براشان بکنند.

خانم ۲: بله - نه، واقعاً هم همین‌ها یعنی من فکر می‌کنم اگه کسی تو این راه بره، برگشتش (بله)؛ واقعاً حالا دیگه چه جور اراده‌ای اون طرف داشته باشه که بتونه مثلاً برگرده از این راه.

(۹) آقا ۱: غذا خوب بود؟ بهت خوش گذشت؟

آقا ۲: آره - نه، خیلی خوب بود.

(۱۰) مکالمه‌ی دو خانم در مورد مزاحمت‌های تلفنی و تلفن‌های جدید شماره‌انداز.

خانم ۱: ... مثلاً هر کس که شماره‌ی خاص خودش رو داره می‌افته.

خانم ۲: بله بله - نه، می‌گم چون تو تهران هم همین‌ها. چند تا از منطقه‌های تهران هستش که اینجوری...

در (۸) همراهی معترضه‌های واقعاً و همین‌ها در کنار بله - نه بر تأکید موضوع افزودند.

مثال‌های فوق نشان می‌دهد که گزاره‌ی بعد از آره/بله - نه می‌تواند مانند (۹ و ۱۰) دارای ارزش ایجابی و یا (مانند ۶) ارزش سلبی باشد. همچنین گزاره قبل از آن نیز می‌تواند مانند (۹ و ۱۰) دارای ارزش ایجابی و یا مانند (۸) دارای ارزش سلبی باشد. همچنین مانند (۶) دلیلی بر یکسانی ارزش بین دو طرف وجود ندارد.

به‌طور خلاصه ما با دو آره/بله - نه گزاره‌ای با دو کارکرد موافقت و مخالفت روبرو خواهیم بود. در تبیین آره/بله - نه توافقی مانند (۹) می‌توان گفت که در این عبارت نه تأکید بر توافق انجام‌شده توسط آره/بله را دارد و نافی هرگونه فرض مخالفت با مخاطب است و به علاوه وجود هرگونه نشانه‌ی شکّی را نسبت به موضوع برطرف می‌کند. در حالی که در تبیین آره/بله - نه مخالفتی مانند (۶) باید گفت که آره/بله در کنار تأیید حرف مخاطب، بار کم کردن کنش مخالفت سخنگو توسط عنصر نه را به دوش می‌کشد و در این حالت آره/بله مقدمه‌ای بر یک گفته‌ی منفی است که مبین مخالفت با گفته‌ی قبل می‌باشد. موارد بیشتری از آره/بله - نه‌ی مخالفتی در ۳-۴ می‌آید.

تکرار آره/بله یا نه مثلاً به شکل‌های آره/بله آره/بله آره/بله یا آره/بله نه نه نشانه‌ی تأکید بر توافق یا مخالفت با گفته یا نظر مخاطب است که می‌تواند بیان ذهنیت و بینادذهنیت در کلام باشد، که نمونه‌های آن در (۹) و (۱۰) مشاهده می‌شود. البته راهکار تکرار می‌تواند نوعی پرکننده گفتمان محسوب شود که به سخنگو در پردازش تولیدی و یا به مخاطب در پردازش ادراکی - شناختی کلام کمک می‌کند (کریستنفلد و همکاران، ۱۹۹۱) و یا حتی نشانه‌ی هیجان مخاطب در بیان توافق و مخالفت خود با گفته‌ی قبل باشد. گاهی این تکرار مانند (۲) در پی تصحیح خطای آغازین رخ می‌دهد؛ جایی که مثلاً پاسخی که قرار بوده با نه شروع شود با

۱. برای جلوگیری از حجم زیاد مقاله، برخی نوبت‌های کوچک مشارکان بحث جداگانه نیامده و درون پرانتز در نوبت مشارک دیگر می‌آید.

آره/بله آغاز شده و لذا با گفتن چند نه، منفی بودن پاسخ برتری می‌یابد. همان‌گونه که در جدول (۱) دیدیم رخداد ترکیب آره یا بله و نه به‌صورتی که نه قبل از آره بیاید، مثل نه آره یا نه بله، نادر است و تنها پنج مورد از میان ۵۱ رخداد ما را شامل می‌شود. جالب آنجاست که سه مورد از پنج مورد فوق کارکرد گزاره‌ای توافق داشتند که در (۱۱)، (۱۲) و (۱۳) می‌آید. دو مورد دیگر کارکرد گزاره‌ای به همراه (بینا)فردی با مضمون عدم تمایل به دادن پاسخ (مانند ۲۵) یا شک و تفکر در پاسخ‌دهی (مانند ۲۹) داشتند (مثال ۲۹ و ۲۵ در قسمت کارکرد (بینا) فردی آره/بله- نه در ۳-۴ می‌آید).

(۱۱) منشی: می‌خواستم بگم که دانشجویها این هفته‌ر نمیانند. یه وقت پانشید بیاید! اگه جایی برنامه‌ریزی کردید برید.

استاد: نه- آره، بچه‌ها که همون هفته‌ی قبل هم ناقص بودند.

(۱۲) مکالمه‌ی بین دو خانم در مورد مناسب نبودن زمستان‌ها برای رصد ستاره‌ها

خانم ۱: من یه توصیه می‌کنم زمستون هیچ وقت نرو.

خانم ۲: زمستون‌ها.

خانم ۱: آره می‌دونی چرا؟ چون این قدر آسمون ابر و طوفان و باده و تا می‌آیی تلسکوپ مستقر کنی باد می‌یاد، اون منطقه هم حالت کویر داره ... یه بادی می‌یاد و می‌زنه تپی این تلسکوپ رو می‌اندازه پائین ...

خانم ۲: نه- آره.

(۱۳) مکالمه‌ی چند دوست در یک گروه گفتگوی اینترنتی در مورد یک تبلیغ

ساسا: بچه‌ها جدیداً این تبلیغات بانک «تات» رو دیدین؟ خیلی سوژه‌ی باحالیه‌ها!

فافا: راس می‌گی؟ نه بابا مگه می‌شه؟ اخه تات؟

ماما: نه- آره، می‌شه. من خودم اون روز تو اینترنتم تبلیغشو دیدم یه مریدیه که ...

در این مثال‌ها نه پاسخ توافق با یک گزاره‌ی منفی (در ۱۱ نرفتن استاد و در ۱۲ نرفتن زمستان‌ها به کویر) یا نفی یک پیش‌فرض (در ۱۳ این فرض که نمی‌شود این بانک تبلیغ کند) در گفته‌(های) قبل است و آره/بله نشانه‌ی توافق کلی با بحث یا گفته‌ی مخاطب و یا تأیید و تأکید گفته‌ی قبلی یا بعدی سخنگو است.

۴-۲- کارکرد متنی

اگرچه با قدری تأمل ردپایی از مفاهیم گزاره‌ای توافق یا عدم توافق به‌طور عینی یا تلویحی در اغلب رخدادهای عبارات آره/بله- نه جریان دارد اما باید گفت که تنها با ارجاع به این مفاهیم اولیه نمی‌توان همه‌ی کارکردهای این عبارات را توجیه کرد. برخی از رخدادهای این عبارات کارکردهای متنی دارند که اغلب شامل انسجام و ارتباط بین‌متنی، درک گفته‌ها بر پایه‌ی یکدیگر و بر پایه‌ی بافت غیرزبانی دم‌دست و همچنین جهت‌دهی در کلام می‌باشد. این ارتباط متنی می‌تواند به‌صورت خرد/محدود^۱ در بین گفته‌های مجاور، یا

کلان/گسترده^۱ در بین محدوده‌های وسیع‌تر کلام برقرار شود. از مصادیق دیگر کارکرد متنی، نشانه‌ای برای آغازگری و اتمام‌بخشی به موضوع، گرفتن یا تحویل نوبت، پرکنندگی سکوت برای حفظ نوبت، تصحیح گفته، مرزبندی، آغازگری اطلاعات جدید، نشانه‌ی رسیدن یا راهنمای رسیدن به تضمن مکالمه‌ای موجود در گفته است و همچنین نشانه‌ی برقراری اتصال به اصول همکوشی مکالمه همچون اصل ارتباط که در آن ترتیب گزاره‌ها در استنتاج و رسیدن به هدف کلی متن دخیل است. در کارکردهای متنی، اغلب مخاطب پس از بروز علامتی دال بر دریافت سخن و توجه به مشارکت سخنگوی قبل، به بیان گزاره‌ی جدید از طرف خود در تکمیل موضوع می‌پردازد (نک. تراگوت، ۱۹۸۲ و برینتون، ۱۹۹۶: ۳۷).

در ذیل مصادیقی از کارکردهای متنی *آره/بله- نه* می‌آید.

(۱۴) خانم: فقط تبلیغات، اینجا تو تبریز فقط تبلیغات شده دیگه، آره وام می‌دیم. اون روز گفتند وام می‌دیم. گفتیم بینم چه جوریه واسه‌ی خرید خونه واسه‌ی اشتغال. می‌گه واسه‌ی تهران اومده اگه تصویب شد مجوزش رو می‌فرستند شهرستانا.

خانم ۲: بله- نه، من رفتم برای اشتغال‌زائی فنی حرفه‌ای اصفهان، می‌گم ببخشید آقا این جریان وام‌هاتون چیه؟ می‌گه که ما الان بودجه نداریم، دستورالعمل جدید نداریم، خلاصه هیچ پولی نداریم...

در مورد فوق *آره/بله- نه* نشانه‌ی بسط موضوع است. این کار به‌واسطه‌ی آوردن یک مثال و برقراری ارتباط محدود بین گزاره‌های مربوط صورت گرفته است.

در اینجا سخنگو ضمن تأیید دریافت گزاره‌ی مخاطب، گزاره‌ی جدیدی را در راستای موضوع ذکر می‌کند. گاهی پس از نشان دادن توجه به مشارکت مخاطب و دریافت یا تأیید سخن وی، بخش‌هایی از گفته‌های قبل‌تر که در راستای موضوع اصلی بوده است از سرگرفته می‌شود. این از سرگیری موضوع یعنی برقراری ارتباط مجدد با موضوع اصلی و اولیه‌ی کلام، خالق یک انسجام کلامی گسترده بین نوبت‌های مکالمه می‌شود. در مثال زیر *آره/بله- نه* علاوه بر از سرگیری موضوع، صحبت سخنگو را برای درک بهتر مخاطب طبقه‌بندی و مرحله‌بندی می‌کند.

(۱۵) آقا: ... پس گفتی این شبکه‌ی فرهنگ هنوز چیزه، اون برنامه‌ی کتاب خونی رو داره؟

آقا ۲: نه، اون برنامه‌ی کتاب‌خونی رو نداره، فکر کنم.

آقا ۱: معمولاً شبا ساعته به رب ...

آقا ۲: نه، من شبا گوش نمی‌کنم، معمولاً حول و حوش ساعت از صبح تا ساعت یازده، یازده و نیم اینا گوش می‌کنم.

آقا ۱: خب، پس محدود گوش می‌کنی. (آره) محدود گوش می‌کنی.

آقا ۲: بعدشم حالا اخبار گوش می‌کنم، تو ماشین که دارم حرکت می‌کنم، در حین این که دارم کارمو انجام می‌دم، (بله) اخبار و این اطلاعات و فرهنگی، هنری، علمی، اینارم می‌گیریم که، (آهان) دیگه درسته که

کارمون تو خیابوناست و اینا، ولی خب زیادم دور از جامعه‌ام نباشیم.

آقا۱: شوفر بیابونی؟

آقا۲: نه قربان.

آقا۱: آهان، آخه می‌گی صبح ماشینم و نمی‌دونم ...

آقا۲: نه، خب، من مهندس هستم؛ مهندس، (آهان)، هستم. (آهان)، آره.

آقا۲: خب، به سلامتی، (خواهش می‌کنم) موفق باشی. آره- نه، این برنامه‌هاشو می‌گم، حالا نمی‌دونم
علاقه داری یا نه، ولی من می‌گم با این کتاب‌خونی شون خیلی کتابای روز جهان و حالا چه اونایی که قدیمی
بود مال نویسنده‌های درجه‌ی یک و اینو می‌شستم می‌خوندم...

در (۱۶) آره/بله- نه نشانه‌ی صورت‌بندی مجدد و تکمیل گزاره است و در (۱۷) عامل خوداصلاحی است.
در کارکرد خوداصلاحی یا نشانه‌ی تأمل و درنگ، نقش‌نماها عموماً درمیان گفته‌ی سخنگو می‌آیند (فیشر،
۲۰۱۴).

(۱۶) مکالمه‌ی دو خانم در مورد تربیت بچه‌ها

خانم۱: مثلاً گاهی اوقات هم که باباش می‌گه، می‌گم نه نباید این حرف بزنی. خوب یه وقت مثلاً می‌بینی
بدتر خوب، یا نخونده یا چی وقتی که مثلاً باهاش دعوا کنی یا چیز کنی اونوقت این.
خانم۲: دلسرد می‌شه.

خانم۱: آره- نه، دلسرد می‌شه موقع مثلاً خوب این دلهره داره بازم دیگه.

(۱۷) آقا۱: یک مترو الان دارن می‌کشن، می‌برن به سمت خلیج فارس و از بندر لنگه؛
آقا۲: درسته.

آقا۱: بله- نه، بندر گناوه معذرت می‌خوام

در (۱۸) آره/بله- نه نشانه‌ی جمع‌بندی گفته‌های مشارکان بحث است و باعث انسجام گسترده‌ی متنی
می‌شود که در اینجا در مورد استخدام نیروهای جدید تربیت بدنی است. این آره/بله- نه می‌تواند نشانه‌ی
پایان‌بخش موضوع یا مکالمه باشد که همراه با جلب توجه و تأکید بر قسمتی از متن، کارکرد فردی نیز یافته
است.

(۱۸) خانم۱: ... اینا اصلاً از هر لحاظ بگی شنا، ژیمناستیک، بدن‌سازی، کاراته همشون فولن. اینا دوره
دیدن. خلاصه حالا اینا با ما همکاری می‌کنن.

خانم۲: خدا رو شکر.

خانم۱: ما ازشون راضی هستیم.

خانم۲: خدا رو شکر.

خانم۱: خدا ازشون راضی باشه.

خانم۲: بله- نه، مهم اینه که واقعاً بازدهی کلاس رو، خوب مشخص دیگه.

خانم۱: بله.

گاهی گوینده با ذکر *آره/بله* - نه تقابل خود را در مورد فرع یک موضوع مشترک با مخاطب بیان می‌کند که در اینجا به نوعی باعث بیان اطلاعات جدید و جلب توجه نیز می‌شود.

(۱۹) مکالمه‌ی بین یک دانش‌آموز (دختر) با مادر دانش‌آموز دیگر.

خانم ۱: همون مثلاً [والدین من] برنامه‌ریزی برای مسافرت می‌کردن خوب به هر حال آدم مشغول می‌شه فکرش که حالا امتحانا زودتر تموم بشه بره مسافرت (بله) تا اون مدت به نظر من بهشون می‌گفتم جلوی من حرف از مسافرت و این چیزا رو نزنین که من بخوام هوایی بشم.

خانم ۲: *بله* - نه، حالا ما هم هر موقع بچه‌ها می‌گفتن، می‌گفتم نه! حالا من می‌گفتم فعلاً تا امتحاناتون تموم بشه...

آره/بله - نه می‌تواند مانند (۲۰) مرتب‌دهنده‌ی گفته با پیش‌فرض یا اطلاعات ایجادشده‌ی قبلی باشد.

(۲۰) خانم ۱: بچه‌های الان باز به مقدار سعی می‌کنن خودشون به یکی از رشته‌های هنر بچسبونن. حالا هرچی‌ام که دارن می‌خونن و (آره آره) هر کاری دارن می‌کنن.

خانم ۲: *آره* - نه، بعدشم پیگیرترند، جدی‌ترند. بعد به مقدار از لحاظ هوشی نسل به نسل هی عوض می‌شن دیگه.

کارکرد متنی با ایجاد و حفظ رابطه بین نوبت‌های بحث و بین مشارکان بحث، باعث انسجام متنی و به دنبال آن همبستگی فردی می‌شود که خود شاهی بر رعایت بیناذهینت در کلام نیز خواهد بود. همین امر باعث تکرار این نوع رخداد در میان مشارکانی می‌شود که یکدیگر را خوب می‌شناسند و دارای مشخصه(ها) یا اطلاعات مشترک پیشین زیادی هستند. نمونه‌ی آن تکرار در مکالمه‌ی ذیل بین دو زن با تفکر و اطلاعات مشترک در مورد شغل زنان دیده می‌شود.

(۲۱) خانم ۱: آره خانما چون معمولاً آقای خودشون دلشون می‌خواد سرکارم که می‌رن هیشکی بهشون دستور نده.

خانم ۲: *آره* - نه دیگه. مثلاً هر موقع دوست داشتن.

خانم ۱: ولی خوب شغل آزاد مورد خیلی خویبه برا خانما،

خانم ۲: بله. اصلاً کاری به کسی نداره.

خانم ۱: خودشون خانم خودشه (بله) مسئول کاراشم خودشه،

خانم ۲: بله خیلی خوبه.

خانم ۱: هیچکی نیست بهش بگه انجام دادی ندادی؟

خانم ۲: *آره* - نه دیگه، کاراشو ...

به علاوه *آره/بله* - نه می‌تواند (مانند ۲۱) نشانه‌ی گرفتن نوبت یا (مانند ۲۲) تحویل دادن نوبت باشد که در تحویل دادن نوبت سخنگو، مخاطب را برای ابراز یک واکنش یعنی ورود به نوبت بحث یا دادن پاسخ تهییج می‌کند. در حالت تحویل دادن کلام نقش‌نماها عموماً در پایان گفته می‌آیند (فیشر، ۲۰۱۴).

(۲۲) تک‌گویی یک نویسنده

بازم دست به قلم البته نه، دست به کی‌برد شدم که یه کاری بکنم، می‌پرسی چی کار؟ خیلی دلت می‌خواد بدونی آره نه؟

کارکرد متنی آخری که از آره/بله- نه در این بخش ذکر می‌شود نشانه‌ی شکل‌گیری استنباط مخاطب از تضمن موجود گفته‌ی قبل است که در مثال (۸) (از بخش کارکرد گزاره‌ای) یا مورد (۲۳) ذیل قابل استنباط است.

(۲۳) الف. وقتی تو یه بیمارستان آموزشی دولتی این همه از ملت پول می‌گیری ... یعنی اگه یکی نداره باید بمیره؟

ب. خب آره- نه! خدایی اگر کسی شصت و خرده‌ای سال زندگی کنه و از دوران کودکی تا حالا جون بکنه و کار کنه و حالا بعد این همه تلاش و سختی سه میلیون پول نداشته باشه؟!

۴-۳- کارکرد (بینا) فردی یا بیانی

عبارات آره/بله- نه، به غیر از کارکردهای گزاره‌ای و متنی، کارکرد کاربردشناختی (بینا) فردی هم دارند که این کارکرد عمدتاً مشتمل بر بیان ذهنیت و یا بیناذهنیت در کلام است. در انتقال ذهنیت، سخنگو از برخی منابع زبانی برای انتقال هویت، ادراک، نظرات، احساسات، توقعات یا ارزیابی‌های خود درباره‌ی اطلاعات تبادل شده در بحث، مشارکان بحث، رخداد یا موقعیت مکالمه استفاده می‌کند. در پدیده بیناذهنیت سخنگو از عناصر زبانی برای ایجاد یا حفظ ارتباط بینافردی بهره می‌برد. اغلب ارتباط در میان مشارکان بحث، برپایه‌ی اتصال گفتمان به دانش پیش‌فرض مشترک آنها و درک اطلاعات ارائه‌شده‌ی جدید شکل می‌گیرد (نک. تراگوت، ۱۹۸۲) که نمونه‌ی آن در (۲۱) ارائه شد.

در کارکرد (بینا) فردی سخنگو از عبارت آره/بله- نه برای ایفای نقش‌های کاربردشناختی از قبیل طفره‌رفتن/احتیاط^۱ استفاده می‌کند تا با کم‌کردن میزان قطعیت سخنش، مصونیتش حفظ شود و با تخفیف و یا تلطیف کنش گفته‌اش، تهدید وجهه^۲ مخاطب را به حداقل برساند و به ایجاد یا تقویت صمیمیت با وی بکوشد. با توجه به بافت گفته این نقش‌ها خود از کارکردهای فرعی متنوعی برخوردار می‌شوند مانند تعارف، مخالفت غیرمستقیم یک مطلب یا توافق ضعیف با آن و یا پذیرش معذرت‌خواهی. در مثال ذیل طفره‌رفتن بیانگر مخالفت ضعیف یا غیرمستقیم با یک است.

(۲۴) آقا۱: دلستر چی چی خریدی؟

آقا۲: هلو.

آقا۱: هلو؟! خوب آره- نه، هلو هم خوبه .. ولی اگه بشه عوضش کنی خیلی بهتره.

آمدن آره/بله در عبارت آره/بله- نه به‌عنوان نشانه‌ی ارزیابی ظاهری مثبت در ابتدا و قبل از بیان حقیقت

1. hedging
2. face treat

منفی توسط نه، سبب می‌شود که *آره/بله* در ابتدا بار منفی انکار، مخالفت یا انتقاد را از نه بردارد. در اینجا فرد با طفره‌رفتن یعنی بیان غیرمستقیم مخالفت خود، از بار کنش مخالفت و تهدید شأن مخاطب می‌کاهد. آمدن نشانه‌ی تأیید ظاهری توسط *آره/بله* قبل از نشانه‌ی مخالفت توسط نه به نوعی بازتاب کلام ویرزیبکا^۱ (۱۹۹۱: ۷۹) است که «بیابید توافق کنیم که مخالفت کنیم».

در این گونه موارد، مفهوم گزاره‌ای مخالفت با ماهیت طفره‌رفتن همراه می‌شود و لذا کارکرد گزاره‌ای با کارکرد (بینا) فردی توأم می‌شود. زبان‌مند گاهی در رخدادهایی همچون (۲۴) و (۲۶) از عبارت ترکیبی *آره/بله* /*اما* به‌عنوان تنوع آزاد^۲ برای *آره/بله* - نه استفاده می‌کنند. در آنجا *آره/بله* و *اما* همان کارکرد اجزای *آره/بله* و نه را دارند یعنی ملاحظه‌ی مثبت کلام مخاطب قبل از بیان عبارت دال بر مخالفت خود و آماده کردن وی برای شنیدن مخالفت.

گاهی فرد مایل به ادامه دادن یک موضوع نیست که در آنجا *آره/بله* - نه می‌آورد تا از پاسخ‌گویی مستقیم به سؤالات طفره رود.

(۲۵) الف: پدرجان، آقاپستون ازدواج کرده؟

ب. *آره* - نه!

الف. *آره* یا نه؟

ب. *نه* - *آره*!

الف. یعنی چی؟

ب. (سرش را نزدیک می‌آورد و آرام می‌گوید): *آره* ... ولی آخه دوشش نداره می‌خواد طلاقش بده ... شاید! در مثال فوق پیرمرد برای شرم‌نده نشدن، مایل به پیگیری بحث با این موضوع نیست. وی این امر را با طفره رفتن از دادن جواب صریح به سؤال و همچنین ذکر آهسته‌ی دلیل برای مخاطب نشان می‌دهد.

فروشنندگان نیز گاهی در تعاملشان با مشتری از کارکرد بیانی یا (بینا) فردی *آره/بله* - نه بهره می‌برند و آن موقعی است که فروشنده درخواست مشتری را با ابراز یک پیشنهاد از طرف خود رد می‌کند. در اینجا فروشنده با گفتن *آره/بله* ابتدایی تأیید و درک خود را از گفته‌ی مشتری نشان می‌دهد و بار رد درخواست مشتری که توسط نه بعداً ایجاد می‌شود را می‌کاهد.

(۲۶) آقای مشتری: می‌گم مثل اینکه اون شامپوهای قبلی بهتر بود بیشتر کف می‌کرد. از اونا به‌ام

بدید.

خانم فروشنده: درست می‌فرمائید. *آره* - نه، این مارک هم خوبه، شما ببرید امتحان کنید حتماً خوشتون

می‌یاد.

گاهی زبان‌مند در هنگام تعارف از *آره/بله* - نه استفاده می‌کنند. این رخداد بیشتر زمانی به چشم می‌خورد که فرد مورد تمجید که همه توجه‌ها به او معطوف است تحت فشار روحی و روانی قرار می‌گیرد، برای کم

1. A. Wierzbicka

2. Free variation

اهمیت جلوه‌دادن نقش خود در موفقیتش، از عامل(های) دیگری که در موفقیت وی دخیل بودند نام می‌برد. بوربج و فلوری (۲۰۰۲) به این رخداد در مصاحبه با قهرمان‌های ورزشی اشاره داشته‌اند. در یکی از مصاحبه‌های تحقیق حاضر نیز موردی مشاهده شد که در ذیل می‌آید.

(۲۷) مصاحبه‌ی مهران مدیری با بهنام بانی در برنامه‌ی دوره‌می در مورد تعداد زیاد کنسرت‌های بانی مدیری: از مرداد امسال تا الان حدود ۸۰ هزار کنسرت داشتید شنیدم.
بانی: ۸۰ هزار تا؟ (خنده)

مدیری: آخه هر وقت ما می‌شنویم می‌گن بهنام بانی کنسرت داره. امشب کنسرت. دوباره فردا کنسرت هفته‌ی دیگه... این هفته که کنسرت داره.

بانی: آره- نه. خدارو شکر. آره... نه... آره- نه یه اصطلاحه استاد؟

آره/بله- نه در مثال فوق، به صورت یک قالب زبانی برای برقراری یک تعامل اجتماعی رخ داده است که در آن مخاطب، موفقیت خود را مرهون یاری خدا و در ادامه تلاش پدر و مادر و خود می‌داند. آره/بله اینجا نشانه‌ی تأیید ظاهری مخاطب و نه کهنه‌ی فشار تعارف است. البته آره/بله- نه در اینجا کارکرد متنی هم دارد چون موضوع مورد تمرکز را از روی فرد به سمت عوامل دیگر می‌برد. (زبان‌مند در اینجا از کاربرد آره- نه توسط خود کمی تعجب می‌کند و این مسأله را به چالش می‌کشد. این مسأله در پایان مقاله بیشتر واکاوی می‌شود).

کارکرد دیگر عبارات آره/بله- نه نقش ذهنیتی تأکید و افزایش تعهد سخنگو در مواردی همچون (۸) و (۱۳) و یا کاهش تعهد وی در پاسخ (مانند ۲۸) است که شاید نشانه‌ی گیجی و شک و تردید در پاسخ نیز باشد.

(۲۸) کسی مثل من که حاضر جوابی بعضی وقتا می‌ماسه، دائم تو مصاحبه گفته بود، بله نه، نمی‌دونم! یکی هم مثل علی با کلاه و عینک شنا در حمام جواب سؤال‌ها رو داده بود تا ایمان رو بجزونه. عبارات آره/بله- نه گاهی نشانه‌ی شکل‌گیری تفکر و انتقال از شک به اطمینان است که نمونه‌اش در (۲۹) می‌آید.

(۲۹) موهاشو نگاه کن. چه خوش رنگه. بینم چه رنگیه. نسکافه‌ای؟ نه نه- آره، خودش عسلیه. به چشمای عسلیش میاد.

با بررسی داده‌های بخش‌های بالا دیدیم که معترضه‌ی نقش‌نمای گفتمانی آره/بله- نه می‌تواند کارکردهای متعدد گزاره‌ای، متنی و فردی را داشته باشد. اما گاهی شاهد چند کارکرد گونگی همزمان در این عبارات هستیم.

مکالمه‌ی بین دو همسایه

(۳۰) الف. می‌گم بچه‌ها خیلی دارند ورجه ورجه می‌کنند و می‌رند. ظاهراً سال خوبی رو شروع

کردین. ها؟

ب. آره- نه، داریم جمع و جور می‌کنیم. صابخونه گفته باید خالی کنید.

(۳۱) الف. نمی‌دونم کار درستی کردم یا نه؟ ولی بالاخره به چیز خریدیم رفت، با اینکه خونه‌اش خیلی هم تعریفی نداره.

ب. آره- نه خوبه. آخه ما معلمان بهتر از این نمی‌تونیم معامله کنیم.

در مثال‌های بالا/آره/بله- نه در کارکرد گزاره‌ای، نشانه‌ی مخالفت تلویحی در (۳۰) و موافقت نسبی در (۳۱) با مخاطب است که به نوعی نشانه‌ی پاسخ نیز می‌باشد. در کارکرد متنی، این عبارت با پذیرش و ادراک کلام و تأیید ظاهری مخاطب، مقدمه‌ای بر توضیح مربوط به موضوع کلی می‌باشد که پس از آن می‌آید و لذا سبب انسجام متن می‌شود. از نظر (بینا) فردی، این عبارت در مثال (۳۰) نقش ذهنیتی هشدار را در کنار نقش بیناذهنیتی کم‌کردن بار مخالفت نهائی ایفا می‌کند. در مثال (۳۱) نیز آره/بله- نه، نقش ذهنیتی بیان دیدگاه سخنگو یعنی نسبی بودن موافقت وی را برعهده می‌گیرد؛ ضمن اینکه سخنگو با قراردادن خود در مجموعه‌ای یکسان با مخاطب، در ایجاد صمیمیت، اشتراک و همبستگی که از مناسبات بیناذهنیتی است می‌کوشد.

به نقل از دیک (۱۹۹۷: ۳۸۳) مشخصه‌ی چندکارکردگونی^۱ در عناصر معترضه به دو طریق قابل توجه است: برخی از این عناصر در رخدادهای متنوع خود در بافت‌های گوناگون، کارکردهای متفاوتی را ایفا می‌کنند و برخی دیگر در یک رخداد در یک بافت خاص، همزمان چندین کارکرد متنوع دارند؛ البته معمولاً یکی از این کارکردها در هر رخداد از مابقی کارکردها برجسته‌تر جلوه می‌کند. مثال‌های این تحقیق نشان داد که در مورد معترضه‌ی آره/بله- نه این قابلیت به هر دو طریق دیده می‌شود به عبارت دیگر این عبارت هم بافت‌محور و هم چندکارکردگونه است.

مشخصه‌ی بافت‌محور بودن برای نقش‌نماهای گفتمانی حاکی از آن است که این عناصر مختصات بافتی اعم از مشخصات فردی و متنی را برای کلام ایجاد می‌کنند و کلام را در بافت موقعیتی آن نمایه می‌کنند پس باید در همین بافت هم تعبیر شوند (شفرین، ۱۹۸۷: ۳۲۶). بافت‌محور بودن آره/بله- نه و به دنبال آن پیچیدگی‌های بافتی سبب می‌شود که تجزیه و تحلیل کلام برای دسته‌بندی قابلیت‌های تعاملی آن عبارت با مشکل مواجه شود. غیاب عوامل کامل زبانی در آوانگاشت‌ها - که ممکن است به‌طور سلیقه‌ای حذف شده باشند و همچنین عوامل غیرزبانی بافت موقعیتی مانند عوامل اجتماعی همچون سن، جنسیت، میزان تحصیلات و طبقه‌ی اجتماعی و نیز عوامل فرازبانی همچون آهنگ و تکیه باعث پیچیدگی تصمیم‌گیری برای تعیین کارکردهای ویژه‌ی هر رخداد از این عبارات می‌باشد. مسأله‌ای که در تحقیقات آتی می‌تواند لحاظ شود.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر مطالعه‌ای بر ۵۱ مورد از باهم‌آیی‌های آره/بله با نه بود. از این میان آره- نه با ۲۷ رخداد، بله-

نه با ۱۹ رخداد، نه-آره با ۴ رخداد و نه-بله با ۱ رخداد به ترتیب توالی‌های کاربردی داده‌های مورد مطالعه بوده‌اند. این امر نشانه‌ی ترجیح زبان‌مند به نشان‌دادن توافق حتی توافقی ظاهری با آره/بله قبل از ذکر مخالفت با نه در مواقع مخالفت است. حتی از میان ۵ رخداد نه-بله و نه-آره، سه مورد نشانه‌ی توافق کلی و دو مورد نشانه‌ی سردرگمی یا عدم تمایل مخاطب به پاسخگویی بود. فراوانی اندک نشانه‌ی سلبی قبل از نشانه‌ی ایجابی - که مشتمل بر حدود ۱۰ درصد از کل رخدادها بود - مطلبی است که در تحقیقات لی‌گلدمن (۲۰۱۱) و بوریج و فلوری (۲۰۰۲) هم بدان اشاره شده است. مهمتر این‌که بسامد اندک باهم‌آیی‌های آره/بله با نه (یا برعکس) به‌عنوان نقش‌نماهای گفتمانی - که استخراج میانگین یک مورد از هر ۷۷ دقیقه گفتگو در این مطالعه - مؤید و شاهده‌ی بر تازگی این نقش‌نمای گفتمانی محسوب می‌شود. نکته‌ی دیگر آنکه عبارات آره/بله- نه غالباً مربوط به سیاق گفتار است و مانند اغلب نقش‌نماهای دیگر معمولاً در ابتدای گفته‌ی میزبان آمده، حامل کارکردهای متنوعی می‌شود. اگرچه در مواقع اندکی مانند زمان خوداصلاحی در وسط کلام می‌آید (نک. ۱۷) و یا در مواقعی مانند واگذاری نوبت در پایان گفته‌ی ظاهر می‌شود، (مانند ۲۲) و حتی به ندرت به تنهایی به کار می‌رود.

بررسی نمونه‌های ترکیب‌های آره/بله و نه سه کاربرد عمده را نشان داده است: کارکرد گزاره‌ای برای توافق و یا مخالفت با مخاطب، کارکرد متنی کلام برای انسجام‌بخشی و سازماندهی کلام و نهایتاً کارکرد (بینا)فردی یا بیانی جهت مصونیت سخنگو و حفظ وجهه‌ی مخاطب که این نقش‌های کاربردی ساختی با بهره‌بردن از شگرد طفره‌رفتن سخنگو توسط آره/بله- نه و به دنبال آن کاهش توان منظوری گفته‌اش حاصل می‌شود. این کارکردها می‌توانند به شکل نقش‌های فرعی متعددی تنوع یابند و همچنین در یک رخداد به‌صورت عبارت همراه به کار گرفته شوند (نک. مور، ۲۰۰۷ و دیک، ۱۹۹۷). اگرچه جداسازی این کارکردها مشکل و گاهی غیرممکن است، اما می‌توان با کمی اغماض، جدول زیر را مبین فراوانی نسبی این کارکردها در میان ۵۱ مورد بررسی شده دانست.

جدول ۲: فراوانی نسبی کارکردهای گزاره‌ای، متنی و فردی و یا باهم‌آیی آنها در میان ۵۱ رخداد

کارکرد مورد نظر	از ۵۱	درصد	کارکرد مورد نظر	از ۵۱	درصد
گزاره‌ای	۴۳	۸۴	متنی	۳۶	۷۰٫۵
گزاره‌ای با نقش توافق	۱۶	۳۱	فردی (ذهنی- بین ذهنی)	۳۶	۷۰٫۵
گزاره‌ای با نقش مخالفت	۷	۱۴	گزاره‌ای- متنی	۳۰	۶۰
گزاره‌ای با نقش توافق و مخالفت در ارجاع به دو جزء جدا در گفته‌ی قبل	۱۴	۲۷٫۵	گزاره‌ای- فردی	۳۸	۷۴٫۵
گزاره‌ای بدون تعیین توافق یا مخالفت (مثلاً بروز پاسخ مبهم)	۶	۱۲	متنی- فردی	۳۱	۶۱
			گزاره‌ای- متنی- فردی	۲۵	۴۹

مطابق با جدول فوق کارکرد گزاره‌ای در ابتدا و کارکردهای متنی و فردی پس از آن از فراوانی بیشتری برخوردارند. همچنین بررسی کارگفت‌های عبارات قبل و بعد از *آره/بله-نه* در ۵۱ مورد نشان می‌دهد که معمولاً عبارات قبل از آنها دارای کنش‌های خبری یا توضیحی (۲۵ مورد)، پرسشی (۱۸ مورد)، و یا چک کردن مطلب (۶ مورد) هستند. در حالی که عبارات پس از آنها حامل کنش‌های گفتاری همچون پاسخ‌گوئی (۲۰ مورد)، بیان ارزیابی (در ۱۶ مورد که اغلب به سبب ارزیابی گفته‌ی قبل، کارکرد انسجام‌متنی محدود داشتند)، بازبینی (۱۶ مورد)، و یا جمع‌بندی و خلاصه‌کردن (در ۶ مورد که اغلب کارکرد متنی گسترده محسوب می‌شدند) هستند. البته در اغلب موارد، عبارات *آره/بله-نه* دارای کاربرد کنش گفتاری چندگانه بوده‌اند.

تحلیل داده‌ها همچنین نشان داده است که عبارات *آره/بله-نه* از طرفی با بروز مشخصاتی همچون استقلال آوایی، ایفای نقش‌های فرامتنی و سازماندهی کلام، سیطره‌ی حوزه‌ای بر کاربردشناسی موقعیت کلام و کارکردهای (بین)ذهنی، استقلال نحوی و در نتیجه آزادی در جای‌گیری در جمله، به مانند معترضه‌ها و برخلاف اغلب محصولات دستوری‌شده‌ی سرنمونی عمل می‌کنند. اما از طرف دیگر، با بروز مشخصاتی همچون متعارف‌شدگی به جای آنی بودن، داشتن معنای رویه‌ای غالب بر محتوای مفهومی، کوتاه و قالبی بودن به جای ترکیب‌پذیری و داشتن آوای کوتاه، به مانند عناصر دستوری‌شده‌ی سرنمونی در تعارض با سایر معترضه‌ها به خصوص نوع آنی هستند. در توجیه این مشخصات به ظاهر متناقض، باید عباراتی همچون *آره/بله-نه* را محصول دو فرایند عضوگیری و دستوری‌شدگی به دنبال هم دانست، به طوری که عضوگیری در ابتدا سبب اعطای مشخصات مشابه بین نقش‌نماها و عناصر معترضه به عبارات *آره/بله-نه* می‌شود و به دنبال آن دستوری‌شدگی سبب اعطای مشخصات مشابه میان نقش‌نماهای گفتمانی با سایر محصولات فرایند دستوری‌شده به این عبارات می‌شود. لذا قائل شدن به هر یک از این دو فرایند به تنهایی، نمی‌تواند همه‌ی رفتارهای نقش‌نماهای گفتمانی همچون *آره/بله-نه* را توجیه کند. این مطالب، خود مسیر تشکیل این گونه عناصر از نظر هاینه (۲۰۱۸) را تأیید می‌کند.^۱

←
(دستوری‌شدگی) عضوگیری دستوری‌شدگی

شکل ۱: فرضیه‌ی تکمیل نقش‌نماهای گفتمانی از نظر هاینه (۲۰۱۸)

از این منظر، دستوری‌شدگی یک فرایند شناختی-ارتباطی فراگیر است که برونداد آن به واسطه‌ی ماهیت درون‌دانش مشخص می‌شود. این فرایند در دو سطح دستور معترضه یا جمله قابل شکل‌گیری است. بنابراین، وقتی درون‌دانش فرایند دستوری‌شدگی، منابع کلامی از نوع معترضه باشد، محصولی متفاوت با آن موارد

۱. اینکه آیا تحت نظر هاینه (زیر چاپ) شاید بتوان به دستوری شدن *آره* و *نه* قبل از عضوگیری قائل شد نیاز به پژوهشی در زمانی دارد.

سرنمونی دارد که درون‌دانش سازه‌های تشکیل‌دهنده‌ی بند یعنی عناصر جمله است. با این نگاه، عناصری همچون عبارات *آره/بله* - نه که در اصل سازه‌های فرابندی و معترضه هستند، برونداد دستوری شده‌یشان - یعنی نقش‌نماهای گفتمانی حاصل از آنها - نیز این‌گونه بوده و مشخصات آن سازه‌ها مثل استقلال نحوی را از خود بروز می‌دهند.

همان‌گونه که در بخش مبانی نظری اشاره شد، در مسیر تغییر معنایی (تراگوت و داشر، ۲۰۰۲)، عناصر زبانی به سمت و سوی ذهنی و بین‌ذهنی شدن، رویه‌ای شدن و غیرشرایط صدقی شدن، غیر گزاره‌ای شدن و گسترش حوزه‌ی معنایی به کاربردشناسی در حرکتند. از انگیزه‌های این حرکت برقراری انسجام متنی و (بینا)فردی شدن می‌باشد که در کنار کارکردهای (بین)ذهنیتی دیگری از قبیل تأکید بر توافق، کم کردن بار مخالفت، تضعیف یا تخفیف بار کنشی انکار، جستجوی اشتراک، کم جلوه‌دادن تعارف و معذرت‌خواهی، نشانه‌ی تمایل افراد برای رسیدن به مطابقت و یک توافق مکالمه‌ای هستند. مطابقت و سازگاری نوعی احساس اتحاد در بین مشارکان تلقی می‌گردد. در این فرایند انطباق‌پذیری سخنگو و شنونده نه تنها از زمینه اطلاعاتی مشترک آگاهند بلکه چگونگی ارزیابی و تفسیر اطلاعات میان خود را نیز به اشتراک می‌گذارند. لذا مسیر کارکردهای ارتباطی در مکالمه از کارکرد گزاره‌ای تا کارکرد (بینا)فردی به سمت ایجاد توافق و هماهنگی و احياناً برقراری صمیمیت تمایل دارد و تجمیع نشانه‌ی مثبت *آره/بله* و منفی *نه* در یک عبارت واحد، بازتابی از این توافق و همکوشی یا انطباق‌پذیری کاربردشناختی محسوب می‌شود.

از مجموع مطالبی که در بالا اشاره شد و با تأمل در طیف‌های ارائه شده، می‌توان با ترکیب طیف پیشنهادی هاینه (زیر چاپ) در کنار طیف تغییر معنایی تراگوت (۱۹۸۲)، طیف حرکت تکمیلی *آره/بله-نه* از وضعیت نشانه‌ی پاسخ به نقش‌نمای آن را مانند زیر فرض کرد.

نشانه تأیید/نفی در دستور جمله نشانه پاسخ مرکب تنها..... نشانه مقدمه پاسخ یا توضیح تکمیلی (یا به ندرت تنها)



عناصر دستور جمله... (عضوگیری)... عنصر دستور معترضه... (دستوری‌شدگی)... معترضه از نوع نقش‌نمای گفتمانی



دارای نقش گزاره‌ای سهمیم در تعیین گزاره جمله..... نقش گزاره‌ای مستقل از گزاره جمله..... (نقش رویه‌ای متنی)..... نقش رویه‌ای (بینا)فردی



شکل ۲: طیف پیشنهادی ساخت و حرکت *آره/بله-نه* از وضعیت نشانه‌ی پاسخ به نقش‌نمای آن

طیف فوق حاکی از آن است که می‌توان عناصر *آره/بله* و *نه* را در گذشته در همین صورت یا صورت اولیه متفاوت با حال آنها به‌گونه‌ای تصور کرد که تنها جزء عناصر دستور جمله و جزء عنصر زبانی درون گزاره بوده‌اند و لذا دارای کارکرد گزاره‌ای (یا مفهومی) و مؤثر در تعیین شرایط صدق گفته بوده‌اند. مصادیق این عناصر حرف نفی *ن* موجود بر سر افعال منفی یا حرف ربط *نه... نه...* و احتمال گرفته شدن قید تأکید یا تصدیق آری از فعل *varā* به معنی «یقین»، «اطمینان» می‌باشد (خانلری، ۱۳۶۵: ۲۱۵). سپس فرایند

عضوگیری آنی آن عناصر مفهومی را از دستور جمله به صورت جداگانه برای ایفای نقش ادات یا نشانه‌ی پاسخ در دستور معترضه گزیده است. حال گاهی این دو معترضه به صورت *آره/بله نه* با یکدیگر هم‌آیند شده و به‌عنوان معترضه‌ای با کارکرد گزاره‌ای یا مفهومی محض در شکل دو نشانه‌ی پاسخ هم‌آیند شده برای ارجاع به مفاهیم گزاره‌ای توافق و مخالفت با دو عبارت خبری یا پرسشی موجود عینی یا تضمینی در گفته‌ی قبل به کار می‌روند. در این حالت یعنی حالت نشانه‌های پاسخ هم‌آیند شده‌ی صرف، این عبارت عموماً به تنهایی یک نوبت را تشکیل می‌دهد اگرچه هر رخداد تنها همیشه متضمن غیاب نقش نقش‌نمای گفتمانی برای آن رخداد نیست (مثلاً در *آره/بله- نه* به غیر از گزاره‌ای بودن کارکرد (بینا)فردی نیز دارد). با توجه به طیف‌های ارائه شده، می‌توان در حالت نشانه‌ی پاسخ، حوزه‌ی این نشانه را روی گزاره‌ی پاسخ دانست. با هم‌آی‌های *آره/بله نه* در ادامه‌ی حرکت در مسیر خود در گذر زمان و با کاربرد در بافت‌های مکالمه‌ای خاص با کارگفت‌های مختلف و همچنین انفصال از بافت نحوی و گاهی گزاره‌ای و آوایی گفته، توانسته است به‌عنوان یک عنصر معترضه‌ی دستوری شده‌ی واحد، به یک نقش‌نمای گفتمانی *آره/بله- نه* تبدیل شود. کاربرد آن در گفتمان کارکردهای رویه‌ای متنی و (بینا)فردی را اغلب در کنار کارکرد مفهومی گزاره‌ای و گاهی فارق از آن تنها با کارکرد رویه‌ای نشان می‌دهد. این روند نشان می‌دهد چگونه تضمین‌های مکالمه‌ای خاص^۱ در اثر تکرار و پذیرش، متعارف شده^۲ و حتی می‌توانند بخشی از معنای این عنصر شوند. در کارکرد گزاره‌ای نقش‌نمای *آره/بله- نه* توانسته است با ظهور غالب خود در مقدمه‌ی یک میزبان یعنی عبارت تکمیلی جواب یا توضیح، نشان‌دهنده‌ی یک محتوای مفهومی یا گزاره‌ای واحد یعنی توافق یا مخالفت با اجزای متنی باشد که تعیین یکی از آن دو محتوا توسط بافت زبانی انجام می‌گیرد. در کارکرد متنی *آره/بله- نه* با نشان دادن توجه و دریافت سخن مخاطب در بیان سؤال یا توضیح و به دنبال آن ارائه‌ی پاسخ یا توضیح فرد دوم در همان رابطه، کلام را منسجم می‌کند. همچنین گاهی این عبارت، نظر سخنگو با توجه و یا نسبت به متن یا مخاطب بحث را منتقل می‌کند و کارکرد (بینا)فردی می‌یابد. عبارت *آره/بله- نه* تحت شرایط بافت، به جز نشانگری پاسخ، می‌تواند نقش انسجام متنی و کارکرد (بینا)فردی را همزمان ایفا کند که تحلیل بافت اطراف این عبارت مانند کارگفت‌های موجود در قبل و بعد آن، یک یا همه‌ی این نقش‌ها را تعیین می‌کند (نک. مثال ۲۸). این همان پاسخی است که می‌توان در حل دوگانگی وضعیت نشانه‌ی پاسخ و یا نقش‌نمای گفتمانی این عبارت ارائه داد. به عبارتی، دیگر اجباری در قائل‌شدن تنها یک وضعیت برای مواردی همچون *آره/بله، نه* و یا ترکیب آنها وجود ندارد و می‌توان هر دو وضعیت را برای این عناصر متصور شد. این مطلب شواهدی دارد که یکی شباهت‌های نقش‌نمای گفتمانی و عناصر پاسخ مبنی بر مشخصاتی همچون کوتاه بودن، جدائی نحوی از میزبان و توانائی ظهور متکی به خود در یک گفته است. شاهد دیگر چندکارکردگونگی هم‌زمان عبارات *آره/بله- نه* است که ضمن نشان دادن گذر این عبارات از مسیر دستوری‌شدگی و کسب قابلیت‌های جدید نقش‌نمای گفتمانی است. این پدیده حاکی از آن است که غالباً در این مسیر با ورود به مرحله‌ی بعدی

1. particular conversational implicatures
2. conventionalized

گذار، از کارکردهای مرحله‌ی قبلی یک عبارت بی‌بهره نمی‌شویم. دلیل این مطلب، همان موارد گذر مقوله‌ای^۱ یا واگرایی^۲ در دستوری‌شدگی است که در آن، در آشکال دستوری جدید، معنای اولیه‌ی اصلی یا ابتدایی واژگان هنوز به‌عنوان جزئی مستقل ساری است (نک. هاپر^۳، ۱۹۹۱) که این معنای اولیه واژگانی در معانی آتی نقش‌نماهای دستوری‌شده نیز مشاهده می‌شود.

از توضیح فوق می‌توان نتیجه گرفت که در ارائه نظریه در مورد عناصر معترضه به خصوص از نوع دستوری‌شدگی - مانند نقش‌نماهای گفتمانی - از این مضمون که این عناصر فاقد هر گونه محتوای گزاره‌ای هستند، باید پرهیز کرد چون برخی قابلیت‌های عباراتی همچون *آره/بله-نه* با قائل شدن به مفهوم گزاره‌ای برای این عناصر قابل توجیه است. این افزایش کارکرد گزاره‌ای لزوماً به معنی قائل شدن به یک معنی محتوایی صرف و مستقل برای این عناصر نیست چون این معنی اغلب تحت شرایط کلام تعیین و ثابت می‌شود و در اغلب موارد- در ۴۷ مورد از ۵۱ مورد - همراه با بقیه‌ی نقش‌های گفتمانی یا کاربردشناختی بروز می‌کند. از طرفی این حقیقت که نقش گزاره‌ای (طبق جدول ۲) در بیشتر رخدادها جریان دارد و تنها موردی است که می‌تواند به تنهایی - حتی در موارد کم - انگیزه‌ی یک رخداد *آره/بله-نه* شود شاید شاهدهی بر اصلی‌تربودن آن و اینکه مبنای آغاز طیف است باشد.

در شرح اعمال پارامترهای دستوری‌شدگی بر این عبارت باید گفت که تغییر نقش‌های متنوع *آره/بله-نه* بر اساس طیف‌های تغییر معنایی تراگوت (۱۹۸۲) و تراگوت و داشر (۲۰۰۲) که برای دستوری‌شدگی استفاده می‌شود در کنار *تجمیع آره/بله* و *نه* به‌عنوان دو عنصر معنایی قطبی در یک عبارت و با یک مفهوم یا کارکرد، نشانه‌ی صورت‌گیری پارامتر معناداری در دستوری‌شدگی است؛ تا جایی که برخی مفاهیم جدید، اصلاً بیابانگر موافقت یا مخالفت نمی‌باشند، بلکه کارکرد متنی و ذهنیتی دارند. در پارامتر تغییر حالت صرفی، این عبارات از دو واحد ادات نشانگر پاسخ به یک نقش‌نمای گفتمانی واحد مبدل شده‌اند. در مقوله‌زدایی درونی، از دست‌دادن ترکیب‌پذیری در این دو عنصر معنایی متقابل و تبدیل آنها به یک واحد قالبی با صورت ثابت را داریم، به این شرح که غالباً در ابتدا *آره/بله* و سپس *نه* می‌آید، بدون اینکه در میان آنها چیزی بیاید. در این زمینه شفرین (۱۹۸۷) ترکیب دو نقش‌نمای گفتمانی را در یک ترتیب نحوی غیرمعمول [مثلاً در مورد بالا در باهم‌آیی دو عنصر پاسخ متقابل معنی] دلیلی بر ماهیت نقش‌نمای گفتمانی آنها می‌داند. در شرح پارامتر فرسایش یا از دست رفتن ماهیت آوایی و/یا صرفی، هم‌آیندی دو عنصر مجزای آوایی غالباً در یک منحنی آهنگ واحد، نتیجه‌ی کار است. این شواهد نشان از پشت سر گذاشته شدن اغلب پارامترهای دستوری‌شدن برای این عبارت است.

در مجموع می‌توان گفت که تشکیل نقش‌نمای گفتمانی عبارات *آره/بله* با *نه*، حاصل یک مرحله عضوگیری یعنی انتقال آنی از سطح دستور جمله به دستور معترضه است. سپس آن عبارت تحت تأثیر

1. transcategoriality
2. divergence
3. P. J. Hopper

پارامترهای دستوری‌شدگی مانند طیف‌های تغییر معنایی، دستوری شده است و از این‌رو می‌تواند در گفتمان، کارکردها و مشخصات متنوعی را بروز دهد. همایندی *آره/بله* و *نه* به شکل یک ترکیب و دستوری‌شدن آن به نظر می‌رسد اخیراً صورت پذیرفته باشد چون رخداد این ترکیب در گفتمان نادر است و این ندرت به سبب فرسایش در زمانی این عبارت نیست چون هنوز کاربرد آن در میان برخی از زبان‌وران فارسی قدری عجیب به نظر می‌رسد، گرچه در حال ورود به واژگان ذهنی زبان‌وران است. شاهد آن مثال (۲۷) است که در آن مصاحبه‌شونده یعنی آقای بانی پس از بیان ناخودآگاه عبارت *آره-نه* در جواب به مجری، با تکرار مجدد آهسته و همراه تعجب آن عبارت از خود، نظر مخاطب را با این گفته که «*آره... نه... آره-نه*» به اصطلاحه استاد؟» در مورد ساخت این عبارت و عجیب بودن آن می‌پرسد اگرچه مجری چون این سؤال زبانی ربطی به بحث ندارد جوابی نمی‌دهد. از طرف دیگر «که ثبت‌های نوشتاری هر زمان نزدیک‌تر به زبان گفتاری آن زمان می‌باشد و نه زمان دیگری» (جکوپس^۱ و جوکر^۲، ۱۹۹۵: ۷) و داده‌های نوشتاری هر زمان پس از داده‌های گفتاری آن زمان قابل اعتمادترین منبع هستند. این امر باعث می‌شود که پیدانشدن عبارات *آره/بله/نه* در جستجو در متون قدیمی و نسخه‌های الکترونیک کتاب‌ها و در مقابل مشاهده کاربرد این عبارت در بعضی نوشته‌های وبلاگی و مکالمات امروزه شاهد دیگری بر جدید بودن این نقش‌نما باشد. در هر حال دسترسی به تحقیقات در زمانی در زمان آینده ابعاد مختلف کاربرد این نقش‌نما را بیشتر روشن خواهد کرد.

منابع

- خانلری، پرویز (۱۳۶۵)، *تاریخ زبان فارسی*، جلد دوم، تهران: نشر نو.
- عموزاده، محمد و نورا، اعظم (۱۳۹۳)، «دستوری‌شدگی عبارت یعنی از منظر دستور گفتمان»، پژوهش‌های زبانی ۵ (۱)، ۷۵-۹۴.
- نورا، اعظم (۱۳۹۴)، بررسی ابعاد دستوری شدن نقش‌نماهای گفتمان در زبان فارسی روزمره، پایان‌نامه‌ی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- Aijmer, K. (2002), *English discourse Particles*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Alami, M. (2016), An investigation of pragmatic functions and position of prevalent Persian discourse markers used in casual conversations among Tehrani speakers. *International journal of applied linguistics & English literature*, 5 (1), 250-263.
- André, V. (2005), Oui-non: une pratique discursive sous influence. *Marges linguistiques*, 9, 195-213.
- Brinton, L. J. (1996), *Pragmatic markers in English*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Brinton, L. J. (2008), *The comment clause in English: Syntactic origins and pragmatic development* (Studies in English Language). Cambridge: Cambridge University Press.
- Brinton, L. J. (2010), *The development of I mean: Implications for the study of*

1. A. Jacobs
2. A. H. Jucker

- historical pragmatics. Susan M. Fitzmaurice and Irma Taavitsainen (eds.), *Methods in Historical Pragmatics*, (37-80). Berlin: Mouton de Gruyter.
- Burridge, K. & Florey, M. (2002), ‘Yeah-no he’s a good kid’: a discourse analysis of Yeah-no in Australian English. *Australian Journal of Linguistics* (22), 149–171.
 - Christenfeld, N., Schachter, S. & Bilous, F. (1991), Filled pause and gestures: It’s not coincidence. *Journal of Psycholinguistic Research*, 20(1), 1-10.
 - Dik, S. (1997), *The Theory of Functional Grammar, Part 2: Complex and Derived Constructions* (Functional Grammar Series, 21.) Berlin, New York: Mouton de Gruyter.
 - Du Bois, J. W., Schuetze-Coburn S., Cumming, S. & Paolino, D. (1993), Outline of Discourse Transcription. In Jane Edwards & Martin Lampert (Eds.) *Talking Data: Transcription and Coding in Discourse Research*. (45-89). Hillsdale, NS: Laurence Erlbaum.
 - Fischer, K. (2014), Discourse Markers. In K. Schneider & A. Barron (eds), *Pragmatics of Discourse*. Mouton de Gruyter, Handbooks of Pragmatics, vol. 3, 271-294.
 - Halliday M. & Hasan R. (1976), *Cohesion in English*. London: Longman.
 - Harder, P. & Boye, K. (2012), (Inter)subjectification and pragmaticalization in a functional theory of grammaticalization. In Auwera, J. & Nuyts, J. (Eds.), *Grammaticalization and (inter)subjectification*, (9-20). Koninklijke Vlaamse Academie van Wetenschappen en Kunsten.
 - Heine, B. & Kaltenböck G. (2016), Ways leading to transcategoriality. Paper presented at the Workshop on Transcategoriality, Université de Rouen, April 27, 2015.
 - Heine, B. (2013), On discourse markers: Grammaticalization, pragmaticalization, or something else? *Linguistics*, 51(6), 1205-47.
 - Heine, B. (2018). Are there two different ways of approaching grammaticalization? In S. Hancil, T. Berban & J. Vicente Lozano (Eds). *New Trends in Grammaticalization and Language Change*, 23-54.
 - Heine, B., Kaltenböck, G., Kuteva, T & Long, H. (2017), Cooptation as a discourse strategy, *Linguistics: An Interdisciplinary Journal of the Language Sciences* 55 (4), 813-856.
 - Heine, B., Kaltenböck, G., Kuteva, T. & Long, H. (2013), An outline of discourse grammar. In S. Bischoff & C. Jeny (eds.), *Reflections on functionalism in linguistics*. Berlin & Boston: De Gruyter Mouton.
 - Hopper, P. J. (1991), on some principles of grammaticalization. in Traugott, E. & Heine, B. (Eds.), *Approaches to grammaticalization*, (17-36). Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
 - Jacobs, A. & Jucker, A. H. (1995), “The historical perspective in pragmatics”. In A. Jucker (Ed.), *Historical Pragmatics* (3–33). Amsterdam: John Benjamins.
 - Kaltenböck, G. (2013), The development of comment clauses. In Aarts, Bas, Joanne Close, Geoffrey Leech and Sean Wallis (eds.), *The Verb Phrase in English: Investigating Recent Language Change with Corpora*, (286-317). Cambridge: Cambridge University Press.
 - Lee-Goldman, R. (2011), *No* as a discourse marker. *Journal of Pragmatics*, 43, 2627-2649.
 - Lyons, J. (1995), *Linguistic Semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.
 - Moore, E. (2007), *Yeah-No: a discourse marker in Australian English*. Honours thesis, Department of Linguistics and Applied Linguistics, The University of Melbourne

- Ocampo, F. (2006), Movement towards discourse is not grammaticalization: The evolution of /claro/ from adjective to discourse particle in spoken Spanish. In Nura Sagarra & Almeida Jacqueline Toribio (eds.), *Selected proceedings of the 9th Hispanic linguistics symposium*, (308-319). Somerville, MA: Cascadilla Proceedings Project.
- Ostman, J. (1995), Pragmatic particles twenty years after. In Wavik, B., Tanskanen, S. K. & Hiltunen, R. (Eds.), *Organization in discourse*, (95-108). Department of English, University of Turku, Finland.
- Schiffrin, D. (1987), *Discourse Markers*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Schiffrin, D. (2001), Discourse markers: Language, meaning, and context. In D. Schiffrin, D. Tannen & H. Hamilton (Eds.), *The Handbook of Discourse Analysis* (54-75). Malden, MA: Blackwell.
- Schiffrin, D. (2006). Discourse marker research and theory: revisiting *and*. In K. Fischer (ed.), *Approaches to Discourse Particles* (315-338). Amsterdam: Elsevier.
- Traugott, E. & Dasher, R. (2002), *Regularity in semantic change*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Traugott, E. & Heine, B. (1991), *Approaches to grammaticalization*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Traugott, E. & König, E. (1991), The semantics-pragmatics of grammaticalization revisited. In Traugott, E. & Heine, B. (Eds.), *Approaches to grammaticalization*, (189-214). Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Traugott, E. (1982), From Propositional to Textual and Expressive Meanings: Some Semantic-Pragmatic Aspects of Grammaticalization. In Lehmann & Malkiel (Eds.) *Perspectives on Historical Linguistics*. (245-271). Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Traugott, E. (1989), On the rise of epistemic meaning in English: An example of subjectification in semantic change. *Language*, 65(1), 31-55.
- Traugott, E. C. (1999), The Rhetoric of counter-expectation in semantic change: a study in subjectification. In: A. Blank, & P. Koch. (Eds.), *Historical Semantics and Cognition* (61-89). Berlin & New York: Mouton de Gruyter.
- Wierzbicka, A. (1991), *Cross-cultural pragmatics: the semantics of human interaction*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Wu, F. (2004), Recent studies on grammaticalization. *Foreign Language Teaching and Research* 1, 18-24.